



برلین، سنفونی شهری بزرگ

والتر روتمان

تنظیم: محمدرضا باباگلی

موزه سینمای ایران، انتشارات بنیاد سینمایی فارابی، ۱۳۸۳

باقی نگذارد. آن بخش از معنا از طریق روند نماها و در انتها از طریق رسوب کلیت بصری فیلم در ذهن مخاطب است که اتفاق می‌افتد. اتفاقاً از همین منظر است که فیلم اثری کاملاً مدرن نشان می‌دهد. به عبارتی معنا در ذهن مخاطب و برداشت مستقیم و فردی او از نما یا نماها شکل می‌گیرد. زمانی که فیلم پایان می‌گیرد، بیننده درمی‌یابد که این مستند حیرت‌انگیز، تنها بر پایه‌ی ترکیب نماها یا موسیقی شکل گرفته است، بی‌آنکه حتی ذره‌ای از صدای افکت و ترکیب‌های صوتی برای گسترش فضای فیلم بهره برده باشد.

کتاب حاضر به هدف نکوداشت یازده عنوان از آثار مطرح و کلاسیک سینمای صامت جهان است. محمدرضا باباگلی در تنظیم فیلم‌نامه‌ی برلین، سنفونی شهری بزرگ می‌نویسد: نزدیک به دو هزار نما که برخی از آنها حتی کسری از ثانیه هم بر پرده نمی‌مانند و نماهای مشابهی که تفاوت‌های اندکی در اندازه، زاویه و عناصر درون قاب دارند، تفکیک و بازنوشتن آنها را کاملاً دشوار می‌کند. به دلیل ساختار نما به نمای برلین، سنفونی شهری بزرگ ناگزیر از به‌کارگیری شیوه‌ای بوده‌ایم که اکنون در قالب این کتاب دیده می‌شود. با این حال تلاش شد از دستور زبان سینمایی که مختص فیلم است کم‌ترین بهره را ببرم. در عین حال برای تشریح هر نما کوشیده شده از زبان مکتوب و معادل‌هایی برای این اصطلاحات سینمایی استفاده کنم. هم‌چنین برای پرهیز از تکرار افعال در بیان و شرح نماها، گاه و بی‌گاه قواعد کلامی را شکسته‌ام، افعال را حذف کرده‌ام یا به تناسب نما و فضای حاکم بر آن، حال و هوایی اندک ادبی یا شاعرانه در قالب کلمات به توضیحات خود افزوده‌ام.

با نگاهی به فیلم برلین، سنفونی شهری بزرگ، باور این نکته که این اثر نزدیک به هشتاد سال پیش ساخته شده است، کمی دشوار می‌نماید. فیلم کاملاً مدرن و فرازمانی است و از همه‌ی عناصر درون قاب بهترین بهره را می‌برد و به کمک عناصر سینمایی بیرون قاب - همچون ریتم موسیقی - موجبات تشخیص کلیت اثر را فراهم می‌کند.

مهم‌ترین ویژگی فیلم ساختار بصری فوق‌العاده‌ی آن است، ساختار بصری پیچیده‌ای که همین پیچیدگی از کهنگی و وابسته به زمان بودن آن می‌کاهد. فیلم با اینکه در پنج پرده تقسیم‌بندی شده اما وابسته به ساختار «تک‌نما» یا «مجموعه‌نما» است. بنابراین کوچک‌ترین واحد فیلم، دارای اهمیت مضاعفی شده است. از نخستین نمای فیلم به راحتی می‌توان عنصر تشابه و تکرار را دید. عناصر تشابه و تکرار در کلیت ساختار بصری اثر جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند، ریتم در تکرار و تشابه است که هویت اصلی خود را پیدا می‌کند. از دیگر ویژگی‌های فیلم تضاد است که در طول چند نمای مشابه، ناگهان نمایی درست در جهت مخالف و از زاویه‌ی معکوس به تماشا گذاشته می‌شود.

قاب‌بندی یکی از جذاب‌ترین ویژگی‌های این مستند - در باره‌ی شهرها - شگفت است. هر قاب با دقتی مثال‌زدنی چیده شده‌اند، چه این چینش در لحظه و صحنه انجام شده باشد و چه پیشاپیش مدنظر روتمان بوده باشد. از دیگر نکات با اهمیت در قاب‌بندی فیلم، جست‌وجوی نماهایی خاص از زاویه‌هایی تازه است. روتمان در انتخاب و نمایش نماها درصدد طرح معنا نبوده است. او صرفاً به فرم توجه داشته و این که ویژگی‌ها و موقعیت‌های بصری شهر را نادیده و ناگفته